

گفته آید در حدیث مدرسه

گزارش نشست تخصصی ارزشیابی مدرسه در ایران؛ چشم اندازها و تجربه‌ها



در مدرسه پیاده شود، وگرنه بین آنچه که تصمیم گرفته می‌شود (عالمان) و آنچه به اجرا درمی‌آید (عاملان) فاصله و شکاف ایجاد خواهد شد که ما با ارزشیابی به آن پی می‌بریم. بهترین سازمان آن است که در آن همه یکدست و با یک آرمان رشد کنند و معلم بفهمد که اصول برگرفته از تعلیم و تربیت چیست و چگونه می‌تواند آن را به عمل درآورد. در نظارت کلینیکی، ناظران کلینیکی به معلمان کمک می‌کنند تا اصول تعلیم و تربیت را بشناسند و در تهیه سناریوهای تدریس به آن توجه داشته باشند. مدیر مدرسه می‌تواند با تفویض اختیار به معلم حرفه‌ای، نظارت کلینیکی راه بیندازد. معلم حرفه‌ای کسی است که انتظارات علمی و انتظارات رسمی را با استعدادها و وضعیت هر یک از دانش‌آموزان تطبیق دهد. نمی‌توانیم سرنوشت بچه‌ها را به دست معلمان غیرحرفه‌ای بدهیم و نمی‌توانیم سرنوشت جامعه را به دست مدرسه‌هایی بدهیم که انسان کامل پرورش نمی‌دهند. آموزشی که سرها را پیر کند و بر دوش جوان‌ها بگذارد، آموزش آرمانی ما نیست. آموزش موفق سر جوان را بر شانه پیر می‌نشانند.

نشست «ارزشیابی مدرسه در ایران» به همت مؤسسه تخصصی «رهپو ارزیابان رادین» در ساعت دو تا شش بعد از ظهر روز سه‌شنبه ۱۰ دی ماه ۹۸ در دبستان «آرمینه مصلی‌نژاد» برگزار شد. در این نشست، صاحب‌نظران و مدیران آموزش و پرورش در دو بخش با موضوع «چشم‌اندازها» و «تجربه‌های ارزشیابی از مدرسه در ایران، دیدگاه‌ها و تجربه‌ها» اراکه کردند. مدعوین نشست نیز از مدیران مدرسه‌های دوره‌های متفاوت تحصیلی شهر تهران بودند که تعدادی از آنان در زمان پرسش و پاسخ، چالش‌ها و موانع ارزشیابی از مدرسه را طرح کردند. خلاصه نشست را در ادامه می‌خوانید:

بخش نخست با طرح موضوع توسط دکتر علیرضا صادق‌زاده قمصری، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس، که مدیریت این بخش را بر عهده داشت، آغاز شد. دکتر صادق‌زاده ضمن خیرمقدم به مدعوین که از آن‌ها به عنوان مدیران تحول‌خواه مدرسه‌های تهران نام برد، ارزشیابی از نهادهای آموزشی را از عناصر بسیار مهم در بهبود کیفیت نظام‌های تربیتی خواند که بیشترین نقش را در هر گونه تحول در نظام‌های آموزشی دارد. صادق‌زاده گفت: «یکی از بحث‌های جدی در طرح تحول بنیادین این است که مدرسه به عنوان نهاد پاسخگو و مسئول نسبت به رسالت‌ها و وظایف خود شناخته شود. به همین خاطر لازم است دو نوع ارزیابی از سیستم مدرسه داشته باشیم: اول ارزیابی درونی به معنای اینکه مدرسه به عنوان یک نهاد یادگیرنده خودش را ارزیابی کند و دوم ارزیابی بیرونی، که در آن مدرسه توسط نهادهای بیرون از مدرسه ارزیابی شود».

آموزش و پرورش، عالمان همان صاحب‌نظران هستند و عامل‌ها همان معلمان و مدرسه‌ها. آیا بین این‌ها توافق وجود دارد؟ نکنند آرمان‌های عالمان در عمل، توسط عاملان پیاده نشود و اختلاف وجود داشته باشد. مدرسه واحد نهایی، یعنی فنی ساختار آموزش و پرورش است. یعنی آنچه تصمیم گرفته شده است باید

دکتر محمدرضا بهرنگی
استاد دانشگاه خوارزمی:
رویکرد کلینیکی به ارزشیابی مدرسه



در یک سیستم منسجم، عالمان و عاملان با هم همکاری دارند. در سیستم

← دکتر محمود مهر محمدی عضو شورای عالی آموزش و پرورش: الگوی ارزیابی وفادار به نظریه تربیتی



باید روی الگوی ارزیابی مدرسه با صفت وفاداری به نظریه تربیتی کار کنیم. چه چیز برای ما ارزش و اعتبار تربیتی دارد؟ ما در مدرسه به دنبال

رخدادهای تربیتی خیلی جدی هستیم. کیفیت‌های فاخر انسانی مثل خلاقیت، روحیه کار جمعی، اعتماد به نفس، هویت ملی، تفکر نقاد و احترام به خرده فرهنگ‌ها که در سند تحول ردپای آن پیدا می‌شود، خیلی تن به سنجش کمی نمی‌دهند. اگر این‌ها مصداق‌های کمال و تربیت‌یافتگی هستند، باید ارزیابی ما نسبت به این‌ها حساس باشد. نمی‌توانیم به سراغ سنجش و اندازه‌گیری همه چیزهایی که تن به سنجش کمی می‌دهند، برویم. ارزیابی باید نسبت به برایندهای تربیتی مورد توجه و تأکید در نظریه تربیتی کاملاً حساس باشد و نسبت به آن وفاداری نشان دهد. این نکته باید در طراحی الگوی ارزیابی مورد توجه قرار گیرد. فرایندهایی چون مشارکت دانش‌آموزان و معلمان در مدیریت مدرسه و مشارکت مادی و معنوی اولیا در امور مدرسه برای ما بسیار مهم است. در طراحی الگوی ارزیابی مدرسه باید روی این موارد که اتفاقاً تن به سنجش کمی نمی‌دهند، هم‌فکری شود.

باید با مواجهه‌های ژرفانگر ببینیم این فرایندها در مدرسه جاری و ساری هستند یا نه! نمی‌توانیم پرونده این فرایندها را مانند پرونده آن برایندها با مشتی عدد و رقم و اندازه‌گیری کمی ببندیم. در این صورت، تصویر روشن و دقیقی از ابعاد مدرسه‌داری به ذینفعان ارائه نخواهد شد.

همچنین، الگوی ارزیابی ما باید ظرفیت آشکار کردن ابعاد پنهان یادگیری را هم داشته باشد. برنامه درسی پنهان یا یادگیری‌های قصدنشده‌ای که در مدرسه اتفاق می‌افتند، اصلاً قابل اغماض نیستند. این هم مقوله‌ای است که به هیچ عنوان تن به ارزشیابی کمی نمی‌دهد. **قطعاً ارزشیابی‌های ژرفانگر با استفاده از روش‌های ویژه باید در دستور کار قرار بگیرند تا پاس‌خگوی پیچیدگی‌های مدرسه‌داری و پدیده‌های تربیتی مطرح**

در مدرسه باشند. البته این‌ها به این معنا نیست که ارزیابی کمی پاره‌ای از شاخص‌ها در گزارش ارزشیابی مدرسه لازم نیست. حتماً این پارامترها هم می‌توانند در گزارش باشند، اما این‌ها زوایای محدودی از حیات مدرسه را فقط و فقط می‌توانند بازنمایی و بازگویی کنند. هرگز نباید تصور کنیم مشتی عدد و رقم تمام آنچه را باید در حدیث مدرسه گفته آید، روایت کند و مبنایی برای تصمیم‌گیری‌های قابل دفاع باشد.

ارزشیابی مدرسه باید بتواند به هزار توی فعل و انفعالات مدرسه نقب بزند. مدرسه را نباید به یک محیط ساده تک‌لایه تربیتی تقلیل دهیم. بر ضرورت ارزشیابی هیبریدی یا دورگه‌سازی ارزشیابی به شکل عملیاتی تأکید می‌کنم که شامل پنج وجه است: وجه اول، داده‌های کمی و کیفی برای انتقال جسم و روح مدرسه؛ وجه دوم، ارزشیابی درونی و بیرونی با هم و توأمان؛ وجه سوم، نیاز به شاخص‌های عام و همین‌طور اختصاصی در ارزیابی مدرسه؛ وجه چهارم، پردازش‌های کمی و کیفی در گزارش‌ها؛ وجه پنجم، ارزشیابی هدف‌مدار و هدف آزاد (برنامه درسی پنهان) به صورت هم‌زمان. به قول آیزنر، منتقل کردن آنچه در مدرسه اتفاق می‌افتد، نه یک موضوع تکنیکی، بلکه باید موضوعی هنری تلقی شود. به این معنا که درونگه و خلاقانه، ژرفانگر و پرده‌بردارانه و دارای حسگرهای قوی باشد.

← دکتر نورعلی عباسپور مدیر کل انجمن اولیا و مربیان ایران: نقش اولیا در ارزشیابی و بهبود مدرسه



خانواده در تعلیم و تربیت سهیم و شریک اصلی نظام تعلیم و تربیت است. بدون شک اگر ما حمایت و همکاری

خانواده را نداشته باشیم، هر آنچه در مدرسه کار کنیم، به نتیجه نخواهد رسید. ارزشیابی باید ارتباط مدرسه با والدین و آمادگی مدرسه برای تغییر را بسنجد. ارزشیابی از مدرسه باید نشان دهد که یادگیری چگونه در آن اتفاق می‌افتد و چگونه بهبود می‌یابد. ارزشیابی باید امیدها، آرزوها و رضایت شاگردان از چگونگی برآورده شدن آن آرزوها را نشان دهد و به رضایت معلمان و کارکنان آموزشگاه، کیفیت روابط

بین اعضا و فرصت‌ها و تساوی دسترسی به یکدیگر را شامل شود. همان‌طور که در سند تحول اشاره شده است، **خانواده باید در تمام مراحل تصمیم‌گیری در آموزش و پرورش از جمله ارزشیابی، نقش داشته باشد.** خانواده می‌تواند در تیم ارزیابی نقش آفرینی کند

بخش دوم با مدیریت دکتر محمد حسنی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، شروع شد. دکتر حسنی هدف نشست را طرح این ایده عنوان کرد که **مدرسه به‌عنوان شخصیت و هویت حقوقی مستقل و به‌عنوان واحد اصلی تحول و موقعیتی که تجربه‌های یادگیری در آن محقق می‌شوند، ارزیابی شود.** وی ادامه داد: «براساس اصل پاسخ‌گویی و اصل مسئولیت که هر دو وجه اخلاقی سنگینی دارند، مدرسه باید خودش ارزیاب خودش باشد و اجازه دهد دیگران هم مدرسه را ارزیابی کنند تا توانمند شود و اعتلا پیدا کند. غیر از این، راهی برای اصلاح و تحول نیست. مهم‌ترین مهارت معلم طراحی ارزشیابی درونی است.» دکتر حسنی با اشاره به اینکه اعتبارسنجی یا اعتباربخشی به مدرسه از سازوکارهای مهم ارزشیابی است، از سخنرانان بخش دوم دعوت کرد تجربه‌هایشان را در این زمینه بیان کنند.

← مهندس علی زرافشان معاون سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: تجربه ارزشیابی مدرسه در طرح تعالی



هدف همه ارزشیابی‌های مدرسه، ارتقای کیفیت است. باید روشن باشد که مدرسه چگونه تضمین

می‌کند آموزش و پرورش همراهِ با کیفیت ارائه می‌کند. ما در برنامه تعالی، برای اینکه فصل چهارم سند تحول را عملیاتی کنیم، به دنبال روش‌های ارزشیابی مدرسه رفتیم. در برنامه تعالی، مدرسه در ده محور خودارزیابی انجام می‌دهد و جایگاهش را مشخص می‌کند. سپس، براساس آن، برنامه عمل تنظیم می‌کند و بر مبنای آن شروع به اقدام می‌کند. جمع ارزشیابی‌های درونی و بیرونی کیفیت را تضمین می‌کند. ما در ایران سازمان حرفه‌ای ارزشیابی نداریم. اینکه ما

به کمیت می‌پردازیم، به عنوان گام شروع، بسیار خوب است. به کیفیت رسیدن، بدون گذر از کمیت تحقق پیدا نمی‌کند.

نبود فرهنگ مستندسازی تجربه‌ها، از چالش‌های ماست. نظام‌های تعلیم و تربیت دنیا براساس مستندات مدرسه‌هایشان تحولات را ایجاد می‌کنند. **در فصل چهارم سند تحول آمده است که مدرسه تصویرساز نظام تعلیم و تربیت باشد. اما کدام مدرسه تصویرساز است؟ ما تجربه مستند مدرسه‌داری نداریم. البته مدرسه‌های چون فرهاد، مهران، حکمت و تزکیه کارهای خوبی در این زمینه انجام داده‌اند.**

← مهندس اردوان مجیدی

مؤسس مدرسه حکمت:

نشان «حکمت تربیت» برای مدرسه در ایران



ما به دنبال مدلی برای ارزیابی از مدرسه بودیم که به ارتقای مدرسه منجر شود؛ مدلی

که براساس مبانی نظری مشخصی اتفاق بیفتد و در عین حال انعطاف‌پذیر باشد. ما به عنوان یک تجربه زیسته در مدرسه حکمت این رویکرد را دنبال کردیم. بیشتر مدل‌های سنجش در حوزه واریسی اتفاق می‌افتند که موارد کمی را می‌سنجند. به این معنا که براساس استاندارد می‌سنجند که آیا داریم خوب انجام می‌دهیم؟ اما مدل

«نشان حکمت» یک پله بالاتر می‌رود و از منظر اعتبارسنجی و از حوزه کیفی به ماجرا نگاه می‌کند. اینکه آیا ما در مدرسه کار درستی هم انجام می‌دهیم؟ آیا راهبرد درستی را انتخاب کرده‌ایم؟ من اتفاقی را که در مدرسه‌ها می‌افتد، در ۱۳ مؤلفه مختلف قرار دادم که در آن به ترتیب: ارتقای شخصیت، فرهنگ، مهارت‌ها و دانش دانش‌آموزان دنبال می‌شوند. ما باید به دنبال سنجش مؤلفه‌هایی برویم که آن مؤلفه‌ها زنجیره حرکت اثرگذار را در مدرسه ایجاد کنند. این کار یک اصول مبنایی دارد که در همه مدرسه‌ها اجرا می‌شود و یک معماری دارد که کمک می‌کند بافت مدرسه براساس آن ایجاد شود. همچنین، یک جعبه ابزار توسعه از تیپ مختلف کارهایی که می‌تواند در مدرسه اتفاق بیفتد، دارد. «نشان حکمت»، پارادایم را عوض کرده است، اما برای مدرسه‌های تراز سند، با همان فضا و پارادایم نیز سازگار است و می‌توانیم آن‌ها را بسنجیم.

← دکتر عبدالرضا فولادوند

مدیر کل آموزش و پرورش شهر تهران: تجربه ارزشیابی مدرسه در آموزش و پرورش شهر تهران



مقدمه عمل، «گفتمان سازی» است. تا گفتمان به دغدغه تبدیل نشود، به عمل

نمی‌رسد. من به صورت هفتگی در مدرسه‌های شهر تهران حضور دارم و از نزدیک مسائل و مشکلات را می‌بینم و به نوعی شمایی کلی از وضعیت مدرسه و ارزشیابی از آن به دستم می‌آید. ایجاد روحیه نظم‌پذیری و قانون‌پذیری در بین دانش‌آموزان، از شاخص‌های ارزشیابی مدرسه است. برای مثال، زمانی که به مدرسه منصور نفر رفتم، انضباطی را در این مدرسه دیدم که در طول ۲۶ سال خدمت‌م ندیده بودم. همچنین، ایجاد روحیه مشارکت در امور و جامعه‌پذیری دانش‌آموزان و ایجاد عزت نفس و نشاط اجتماعی در بین دانش‌آموزان، از شاخص‌های ارزشیابی مدرسه است که ما متأسفانه کمتر به آن توجه می‌کنیم. در ارزشیابی از مدرسه‌ها زیاد سخت‌گیری نکنیم. بخشی از مدیران به دلیل فشارهای ما، ظاهرسازی می‌کنند. این در حالی است که وضعیت واقعی مدرسه‌ها باید ارزشیابی شود. آسیب‌های اجتماعی بزرگ‌ترین معضل شهر تهران هستند که به نوعی کیفیت آموزش را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. همچنین، کلاس‌های درس با تراکم ۳۵ نفر مشکلات خاص خود را دارند. آنچه مهم است، ایجاد ارتباط دلی است. همه برای معلمی استخدام شدیم و معلم هستیم. ساده زیستن، ساده گرفتن و برخورد انسانی در ارزشیابی، تأثیر مثبت بر جای می‌گذارد.

← پرسش و پاسخ:

«آیا اولیا تخصص و آگاهی لازم برای ارزشیابی از مدرسه را دارند که بخواهیم از آن‌ها در تیم ارزیابی استفاده کنیم؟ آیا استاندارد ارزیابی تهیه شده و یا ما قابلیت طراحی آن را به مدرسه واگذار کرده‌ایم؟ آیا مدرسه به این بلوغ و بالندگی رسیده است؟ محتوا با آن ارزشیابی که از آن حرف می‌زنید، همخوانی ندارد. اول بستر آن را در وزارتخانه مهیا کنید. سیستم متمرکز و دست ما بسته است.» این‌ها بخشی از سؤالات و چالش‌هایی بودند که مدیران مدرسه‌ها در فرصت پرسش و پاسخ بعد از هر بخش از نشست مطرح کردند. در ادامه، پاسخ مهرمحمدی را می‌خوانید:

دکتر مهرمحمدی: ارزشیابی زمانی معنی دارد که مدیران و مجموعه دست‌اندرکاران مدرسه امکان اجرای اراده‌های تربیتی ویژه خود را در مدرسه داشته باشند. وقتی امکان اجرای اراده گرفته

می‌شود، انگیزه‌ای برای ارزشیابی باقی نمی‌ماند. البته کماکان با یک سلسله شاخص‌های معین و مقدم می‌توان مدرسه را ارزشیابی کرد، اما این ارزشیابی در خدمت تعالی تربیت نخواهد بود. تعالی تربیت امری درون‌زاست و به امکانات و فرصت‌هایی نیاز دارد که باید به مجموعه عوامل مدرسه داده شوند. اگر به سمتی برویم که سیستم از این تمرکزگرایی دست بردارد و مدرسه‌محوری اتفاق بیفتد و مدرسه‌های ما دارای تشخیص تربیتی شوند، دیگر لازم نیست موضوع ارزشیابی به مدیران و عوامل مدرسه یادآوری شود، بلکه ارزشیابی جزو ذاتی فعالیت و کنش حرفه‌ای معلمان و مدیر مؤسسه و نهاد آموزشی خواهد بود.

در پایان، خانم فریدونی، مجری نشست، از حضور مدعوین تشکر کرد. همچنین دکتر صادق‌زاده و دکتر مهرمحمدی نیز با اهدای لوح تقدیر از سخنران نشست تقدیر کردند. ■